فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc505162538)

[اشتراک و امتیاز اشیاء در مقایسه با همدیگر 2](#_Toc505162539)

[اقسام افتراق‌ها و امتیازهای موجودات 2](#_Toc505162540)

[مراد از تفاوت‌های فردی 3](#_Toc505162541)

[تفاوت‌های صنفی 3](#_Toc505162542)

[تفاوت‌های درونی انسان 4](#_Toc505162543)

[برخی اقسام تفاوت‌ها در روان‌شناسی 4](#_Toc505162544)

[تمایز و جمع‌ میان بخشی از موجودات در تفاوت‌های صنفی 5](#_Toc505162545)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل رعایت تفاوت‌های فردی**

# اشاره

به بحث اصل رعایت تفاوت‌ها رسیدیم، در مقدمه مطلبی را با توجه به مباحث فلسفی و روان‌شناختی مطرح کردیم، همان مبحث را لازم است، مقداری عمق بیشتری ببخشیم و منظومه‌ بحث را روشن‌تر بکنیم.

# اشتراک و امتیاز اشیاء در مقایسه با همدیگر

آنگاه‌که موجودی با اشیاء و اشخاص دیگر مقایسه می‌شود، مواجه با دو پدیده هستیم:

1 – پدیده اشتراکی

2 – پدیده افتراقی و امتیازی

وقتی یک فرد را با چیزهای دیگر مقایسه می‌کنید، می‌بینید که این شیء با اشیاء دیگر دارای تمایز است، افتراق‌ها و امتیازها بر چند قسم است:

# اقسام افتراق‌ها و امتیازهای موجودات

1 – قسم اول این است که این تمایز و افتراق در یک مفهوم جنسی باشد، الف را که با باء مقایسه کردید، در جنس الاجناس از هم جدا هستند، مثل اینکه این از جوهر است و آن‌طرف از کم یا کیف یا امثالهم است.

2 – تمایز دوم که سلسله‌مراتب دارد، بعدازاینکه در یک جنس و یک مقوله از مقولات عشر قرار گرفتند، فاصله‌شان در یک‌فصل ممیز باشد، منتهی این فصل و نوع مراتب دارد، ممکن است هر دو در جوهریت شریک است اما یکی مجرد و دیگری مادی است و در یک‌فصل از فصول عالیه از هم جدا شده است.

 قسم دوم از تمایزات نوعی است، مثلاً این انسان است و آن بلبل است، این دو تمایز در اولویت بحث ما نیست، شاید در مبانی تعلیم و تربیت کاربرد داشته باشند.

3 – قسم سوم؛ تمایزات افراد در نوع اخیر و انسان است که محل بحث تعلیم و تربیت است، تمایزات افراد از نوع اخیر که مشخصاً نوع انسان است و تمایزات هم صنفی است، تمایزات صنفی درون نوع انسانی است، مثل‌اینکه این فرد هوش نود دارد که صد هزار را از یک‌میلیون نفر جدا می‌کند، درحالی‌که ممیز است هم‌زمان جمعی را هم در بر می‌گیرد.

4 – نوع چهارم که به یک معنا می‌تواند قسیم قبلی باشد و به یک معنا ربط دارد و جدا نیست، تمایز شخصی است، یعنی آنی که «ما به التشخص» است، در تمایز قبلی، ضمن اینکه این فرد با دیگری می‌تواند تمایز صنفی داشته باشد، درعین‌حال در ویژگی صنفی ممکن است شریک باشند، اما در تمایز قسم چهارم که تمایز شخص به معنای فلسفی است می‌گوییم این قسم «ما به التمایز»ی است که در آن با هیچ‌کس شریک نیست.

# مراد از تفاوت‌های فردی

آنی که به‌عنوان تفاوت‌ها در روان‌شناسی بحث می‌شود، حتی در تفاوت‌های فردی که می‌گوییم، به معنای فلسفی آخری نیست، اگر هم باشد، این خیلی ملحوظ نیست، اتفاقاً این تفاوت‌ها، تفاوت‌های صنفی هستند، مصنفات و مفردات به معنای فلسفی که یک ویژگی خاص این فرد که لا یشارکه فیه احدٌ باشد، نیست.

وقتی «فردی» گفته می‌شود، مشترک لفظی می‌شود، بیشتر ذهن می‌رود روی مفرد و مشخص قسم چهارم که یک بحث فلسفی پیچیده‌ای است و حال آنکه آنی که در روان‌شناسی در فصول مختلف می‌آید، بیشتر تفاوت‌های صنفی است، تفاوت‌های فردی بیشتر به سمت تفاوت‌های صنفی می‌آید.

میان افراد انسانی یک تمایزها و افتراق‌هایی از نوع سوم وجود دارد که هم قابل تحقیق است و هم این تفاوت‌ها در تعلیم و تربیت و مدیریت و خیلی از علوم انسانی، نقش مهمی دارد. بازشناسی این تفاوت‌ها، نقش مهمی دارد. در شریعت وقتی با یک نگاه نظام‌ساز سراغ احکام بروید، می‌بینید این سلسله تفاوت‌های نوع سوم، اهمیت زیادی دارد، یکی از پشتوانه‌های تفاوت احکام است و تنوع احکام می‌باشد.

تمرکز روان‌شناسی، فلسفی یا مباحث دینی در این قسم مبنای تعلیم و تربیت یا مدیریت یا سیاست و امثالهم می‌شود، بازشناسی این تفاوت‌های صنفی، در بسیاری از علوم انسانی و اجتماعی نقش دارد.

# تفاوت‌های صنفی

تفاوت‌های صنفی برمی‌گردد به آنچه به لحاظ فلسفی به آن عوارض می‌گوییم، یعنی قسم اول و دوم نیست که تفاوت موجودات با امور مقوم بود، در قسم اول و دوم ممیزات؛ امور ذاتی بودند، در قسم چهارم ممیز؛ وجود است که منشأ یک ویژگی‌های کاملاً منحصربه‌فرد در شخص می‌شود.

در قسم سوم که ممیز درواقع همان عوارض هستند، این عوارض گاهی عوارض پایدار است، گاهی هم عوارض ناپایدار است، به‌عبارت‌دیگر، عوارض مفارق و عوارض لازم وجود دارد، بعضی از عوارض مثل خنده، پایدار نیست، زیاد محل بحث نیست، عوارضی که نسبتاً پایدار است و مصنف است و اصناف در درون یک نوع ایجاد می‌کند و مشخصاً نوع انسانی ایجاد می‌کند، این آن چیزی است که در علوم انسانی و اجتماعی موردتوجه قرار می‌گیرد و بخش زیادی از آن‌هم در روان‌شناسی موردتوجه است.

# تفاوت‌های درونی انسان

تفاوت‌هایی که در درون انسان بررسی می‌کنیم، مقصودمان تفاوت‌هایی از نوع سوم است که صنف‌ساز است و تفاوت‌های نسبتاً پایدار است و تفاوت‌های فردی که گفته می‌شود، نوعی از همین است.

عوارضی که به شکل نسبتاً پایدار، گروه‌ها را درست می‌کند، با تفاوت‌های روان‌شناختی و اجتماعی، عوامل متعددی است، این‌ها «ما به تفاوت‌های» گروهی و صنفی، یا به عبارتی فردی، اما فردی به همین معنا، نه فردی به معنای چهارمی که فلسفی است.

# برخی اقسام تفاوت‌ها در روان‌شناسی

شاکله روان‌شناسی هم تقریباً این‌ها را تشکیل می‌دهد، بخشی از آن در روان‌شناسی و بخشی هم در علوم اجتماعی و جامع‌شناسی بحث می‌شود، ازجمله موارد در روان‌شناسی عبارت‌اند:

1 – تفاوت‌های ارگانیکی و جسمی، از نوع هرمون‌ها و امثالهم که بازتابی در شخصیت دارد.

2 – تفاوت‌های هوش شناختی، که به کُند و مرز و متعارف و بالاتر از متعارف تقسیم می‌شود.

3 – تفاوت‌های هوش هیجانی و اجتماعی و ارتباطی و امثالهم

4 – جنسیت، زن و مرد و امثالهم

5 – بحث‌های وراثت، شاید میان وراثت و ژنتیک عموم و خصوص مطلق باشد.

6 – بحث‌های اقلیمی، مثل آب‌وهوا و مکان و امثالهم

7 – تفاوت‌های محیط اجتماعی

8 – تفاوت‌های در محیط خانوادگی

9 – تفاوت‌های زبانی، زبان هم اثرپذیر از فکر و فرهنگ و شخصیت انسان‌ها و هم اثر می‌گذارد، به طور مثال زبانی هست که گنجایش مفاهیم انتزاعی فلسفی را خیلی ندارد، به همین دلیل انسان‌هایی که در آن زبان هستند، خیلی فلسفی فکر نمی‌کنند.

10 – بحث‌های شغلی و درآمدی و اقتصادی

تفاوت‌های فردی کمتر مقصود قسم چهارم در تقسیم اول است، بیشتر تقسیماتی است که در این بخش قرار می‌گیرند، منتهی می‌شود به یک معنا عام گرفته شود و غالباً هم همین‌طور است که بعضی از این اقسام را در بر می‌گیرد، مثلاً تفاوت‌های جنسی را در تفاوت‌های فردی قرار نمی‌دهند، اما بقیه را می‌شود در تفاوت‌های فردی قرارداد.

# تمایز و جمع‌ میان بخشی از موجودات در تفاوت‌های صنفی

تفاوت‌های مصنف و گروه‌ساز، هم انسان‌ها را از هم جدا می‌کند و هم درعین‌حال انسان‌هایی را هم در یک منظومه قرار می‌دهد، این مبنای مهمی در علم روان‌شناسی و به نحو دیگر در جامعه‌شناسی و در علوم دیگر موردتوجه قرار می‌گیرد.